

**The Inefficiency of the agents of the political system and the Decline of Social Trust from Imam Khomeini's Point of View  
(Based on Putnam's Theory of Social Trust)**

Rahmat Abbastabar<sup>1</sup>

Received: 5 Dec 2022

Reception: 10 Jan 2022

Poyan Hasanniya<sup>2</sup>

The decline of Social Trust in a political system is due to various factors, of which the inefficiency of the agents of the political system is one of the most important factors. The agents of the system are an integral part of the government and therefore their performance determines the efficiency or inefficiency of the system. Differences in worldview and anthropology have created a variety of concepts in the fields of political science and sociology, and efficiency is one of the key concepts in this field. In this article, the author examines the effect of the inefficiency of agents of the political system on the decline of Social Trust from Imam Khomeini's point of view. For this purpose, various theories in this field have been studied and with emphasis on Imam Khomeini's thought, the issue of research has been explained. The research method is descriptive-analytical and Robert Putnam's theory has been used as a theoretical model. Results show that according to Imam Khomeini, the foundation of a society is based on Trust. The decline of Social Trust in any system will have consequences, the most important of which is the decline of social participation and, consequently, the decline of the legitimacy of the political system. Declining legitimacy will also put the system in crisis.

**Key words:** Social Capital, Social Trust, Agents of the Political System, Imam Khomeini.

---

1. Assistant Professor of Political Science, University of Mazandaran.r.abbastabar@umz.ac.ir

2. Master Student of Political Thought in Islam, Mazandaran University

## ناکارآمدی کارگزاران و کاهش اعتماد اجتماعی از منظر امام خمینی (ره) (بر اساس نظریه اعتماد اجتماعی پاتنام)

رحمت عباس تبار<sup>۱</sup>

دریافت: ۱۴۰۱/۹/۱۵

پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۱

پویان حسن نیا<sup>۲</sup>

### چکیده

کاهش اعتماد اجتماعی در یک نظام سیاسی به عوامل مختلفی برمی گردد که در این بین، ناکارآمدی کارگزاران نظام سیاسی، یکی از مهم ترین عوامل مؤثر در کاهش اعتماد اجتماعی است. کارگزاران نظام؛ جزو جدانشدنی نظام محسوب می شوند و به همین دلیل عملکرد آن‌ها، تصمیم گیری پیرامون کارآمدی یا ناکارآمدی نظام را رقم می زند. تفاوت در جهان بینی و انسان شناسی، پرداختن به انواعی از مفاهیم در حوزه جامعه شناسی و علوم سیاسی را رقم زده و کارآمدی یکی از مفاهیم کلیدی این حوزه است. این مقاله به دنبال بررسی تأثیر ناکارآمدی کارگزاران بر کاهش اعتماد اجتماعی از منظر امام خمینی (ره) است. بدین منظور با بررسی نظریه های مختلف در این حوزه و با تأکید بر اندیشه امام راحل به تبیین مسئله تحقیق پرداخته شده است. روش پژوهش به صورت توصیفی تحلیلی است و از نظریه «رابرت پاتنام» به عنوان مدل نظری استفاده شده است. یافته های تحقیق حکایت از آن دارد که از نظر امام خمینی (ره)، بنیان یک جامعه بر اساس اعتماد است. کاهش اعتماد اجتماعی در هر نظامی نتایجی را به دنبال خواهد داشت که از جمله مهم ترین آن، کاهش مشارکت اجتماعی و در پی آن، کاهش مشروعیت نظام سیاسی است. کاهش مشروعیت، نظام را دچار بحران خواهد کرد.

**کلیدواژه:** سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، ناکارآمدی، کارگزاران، امام خمینی (ره)

۱. استادیار علوم سیاسی، دانشگاه مازندران.  
r.abbastabar@umz.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه اندیشه سیاسی در اسلام، دانشگاه مازندران.

## مقدمه و بیان مسئله

سرمایه اجتماعی یکی از مفاهیم کلیدی علوم اجتماعی است که امروزه با توجه به اهمیت آن در یک نظام سیاسی، در علوم سیاسی نیز بسیار مورد توجه قرار گرفته است. اگر سرمایه اجتماعی در یک جامعه افول پیدا کند، آن نظام حتی ممکن است دچار بحران‌های شدیدی از جمله بحران مشروعیت شود. برای سنجش میزان سرمایه اجتماعی در یک جامعه، شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی همچون مشارکت، اعتماد اجتماعی، همبستگی ملی، ارزش‌ها و هنجارها، احترام به یکدیگر، کارآمدی، قانون‌مداری، صداقت و غیره بررسی می‌شود. اعتماد اجتماعی یکی از مؤلفه‌ها و شاخصه‌های اصلی و مهم سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. اعتمادسازی از دغدغه‌های هر نظام سیاسی است. اعتماد بین مردم، بین نخبگان و اعتماد بین مردم و نخبگان اگر در وضعیت مناسبی باشد، مشارکت افزایش پیدا کرده و این به معنی مشروعیت بالای نظام است. اعتماد اجتماعی در حوزه روابط اجتماعی بین دولت و مردم مطرح است. اعتماد اجتماعی، هم می‌تواند مؤلفه و هم نتیجه سرمایه اجتماعی باشد. در اندیشه امام خمینی (ره)، کارآمدی نظام و کارگزاران، فساد کارگزاران، خیانت، امانت‌داری، صدق، رفق، حقوق و آزادی مدنی و غیره، از جمله مؤلفه‌ها و عواملی هستند که بر اعتماد اجتماعی مردم تأثیر بسزایی دارند. در این بین، ناکارآمدی کارگزاران نظام، یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌ها و عوامل در کاهش اعتماد اجتماعی است. فلذا، بررسی و تأثیرات ناکارآمدی کارگزاران بر کاهش اعتماد اجتماعی مهم‌ترین دغدغه و هدف این پژوهش است. همچنین بررسی عوامل و زمینه‌های ناکارآمدی کارگزاران و بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی از منظر امام خمینی (ره) از دیگر اهداف این پژوهش است.

مسئله اصلی مقاله این است که نقش ناکارآمدی کارگزاران بر اعتماد اجتماعی، با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره) چیست؟

سؤالات فرعی این پژوهش عبارت‌اند از: مفهوم سرمایه اجتماعی و مفهوم اعتماد اجتماعی چیست؟ ناکارآمدی و کارآمدی کارگزاران در اندیشه امام خمینی (ره) از چه جایگاهی برخوردار است؟ عوامل و زمینه‌های ناکارآمدی کارگزاران از منظر امام (ره) چیست؟ ابعاد و مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره) کدام‌اند؟

در این تحقیق ناکارآمدی متغیر مستقل و اعتماد اجتماعی، متغیر وابسته منظور شده است. میزان ناکارآمدی کارگزاران بر میزان اعتماد اجتماعی تأثیرگذار است. در واقع با توجه به میزان و نوع ناکارآمدی کارگزاران، میزان و ابعاد اعتماد اجتماعی نیز تغییر می‌کند.

در بررسی ادبیات پژوهش، به نوشته‌هایی برمی‌خوریم که به عنوان نمونه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. احمد واعظی و سید غلامرضا موسوی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «پژوهشی در کارآمدی نظام جمهوری اسلامی» به این مسئله پرداخته‌اند که مهم‌ترین ملاک داوری مردم در کارآمدی یا ناکارآمدی هر نظامی عملکرد آن نظام است، هرچند آن حکومت بر خواسته از مبانی دینی و مذهبی باشد. قضاوت مردم بیش از آنکه بر اساس مبانی نظری باشد، بر اساس عملکرد است؛ هر نظامی عملکرد مطلوب‌تری داشته باشد، کارآمدتر به نظر می‌رسد؛ و یافته‌های پژوهش آن‌ها حکایت از این دارد که کارآمدی نظام را با قضاوت‌های نخبگانی می‌توان سنجید. محسن رضوانی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «اصول و شاخصه‌های کارآمدی دولت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)» به این مسئله پرداخته است که در کشور ایران به مفهوم ناکارآمدی دولت کار علمی صورت نگرفته است و تأکید دارد که از جمله بحران‌های جدی کشور ایران، بحران کارآمدی است. او با به‌کارگیری بیست شاخصه از جملات امام در صحیفه، به این مهم پرداخته است؛ اما ما در این مقاله قصد داریم به بررسی نظری ناکارآمدی کارگزاران نظام از دیدگاه امام بپردازیم و دلایل ناکارآمدی را بررسی نماییم، طبق اندیشه امام خمینی (ره) دلایل و شاخصه‌های ناکارآمدی کارگزاران نظام را در حد امکان شرح دهیم و سپس به نقش آن در کاهش اعتماد اجتماعی بپردازیم و همچنین مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی را نیز از منظر امام روشن سازیم.

روش تحقیق به اعتبار شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات، اسنادی - کتابخانه‌ای، به اعتبار ماهیت، توصیفی تحلیلی، به اعتبار هدف پژوهش، از نوع نظری-کاربردی و به اعتبار شیوه تحلیل داده‌ها و اطلاعات به صورت غیر آماری است و همچنین مدل نظری پژوهش الهام گرفته از نظریه سرمایه اجتماعی رابرت پاتنام<sup>۱</sup> است.

## ۲- چارچوب نظری

چارچوب نظری مقاله شامل دو بخش تبیین مفاهیم و مبانی نظری هست. در بخش تبیین

مفاهیم، با توجه به تعاریف ارائه شده در علوم اجتماعی و سیاسی؛ واژه‌های کلیدی مقاله مورد بررسی قرار گرفته شده است. در بخش مبانی نظری، نظریه سرمایه اجتماعی رابرت پاتنام در حد مطلوب توضیح داده شده است.

## ۲-۱- تبیین مفاهیم

در این قسمت، مفاهیم واژه‌های کلیدی مقاله یعنی؛ کارآمدی، سرمایه اجتماعی و اعتمادی اجتماعی بررسی شده است. از مجموع تعاریف متعدد اندیشمندان در این حوزه، به اختصار از مطرح‌ترین آن‌ها برای مفهوم شناسی هر یک از این واژه‌ها استفاده شده است.

### ۲-۱-۱- مفهوم و اهمیت کارآمدی

کارآمدی مانند بسیاری از پدیده‌های اجتماعی دیگر، دارای یک تعریف واحد نیست؛ ولی به طور کلی می‌توان از واژه‌هایی هم چون؛ انجام وظیفه، کارایی، اثربخشی، میزان موفقیت، رسیدن به هدف، میزان رسیدن به هدف و... استفاده کرد. در فرهنگ لغت عمید، کارآمد به معنای کاردان، کارآموده و شایسته است. کارآمد کسی است که کارها را به خوبی انجام دهد و یا چیزی است که به کار آید و سودمند باشد (عمید، ۱۳۸۳: ۱۶۰۲). در فرهنگ اصطلاحات مدیریت، کارآمدی به مفهوم «میزان موفقیت در تحقق هدف و یا انجام مأموریت» است که نشان‌دهنده درجه رسیدن به اهداف است. در علم مدیریت بین کارآمدی و کارایی تفاوت قائل شده‌اند و گفته‌اند: «کارآمدی شایستگی و کاردانی در تأمین اهداف و کارایی، شایستگی در مصرف منابع و بهره‌برداری بهینه از آن است». «لیپس» کارآمدی را این‌گونه تعریف می‌کند: «تحقق عینی یا توان نظام در تحقق کارکردهای اساسی یک حکومت، به گونه‌ای که بیشتر مردم و گروه‌های قدرتمند درون نظام آن را مشاهده کنند» (زین‌الدینی، ۱۳۹۵: ۴). این اصطلاح بیشتر در سه قلمرو مدیریت، اقتصاد و سیاست کاربرد دارد. در فرهنگ علوم سیاسی این اصطلاح به اثربخشی، تأثیر، توانایی نفوذ، کفایت، قابلیت، توانایی و لیاقت معنا شده است. برخی کارآمدی را مترادف با کارایی در نظر گرفته‌اند؛ یعنی قابلیت و توانایی رسیدن به هدف‌های تعیین شده مشخص. سنجش مقدار کارایی، از طریق مقایسه استاندارد باهدف یا مقدار کیفیتی که عملاً به دست آمده صورت می‌گیرد. مثلاً تولید واقعی با تولید مورد

هدف و یا زمان مصرف شده با زمان پیش‌بینی شده مقایسه می‌شود (دارا، ۱۳۹۶: ۲۰۵). در زبان انگلیسی کارآمدی معادل واژه "Effectiveness" است که با کلماتی مانند کارایی، کارآمدی، تأثیر، تأثیرگذاری، اثربخشی مترادف می‌باشد (باغستانی کوزه‌گر، ۱۳۹۲: ۹۱). می‌توان گفت کارآمدی با مفاهیم کارایی و مشروعیت ارتباط نزدیک‌تری داشته باشد. در بیشتر تعریف‌ها، دستیابی به هدف و موفقیت و یا میزان دستیابی به موفقیت، میزان کارآمدی را مشخص می‌کند و در پی آن است که میزان کارایی مشخص می‌شود و از مشروعیت می‌توان سخن به میان آورد. در واقع کارآمدی نتیجه‌ای است که بعد از عمل و بعد از مدت زمان معین و یا غیر معینی و با توجه به شرایطی، سنجیده می‌شود و می‌تواند عاملی مهم در تعیین میزان مشروعیت تئوری‌های ارائه شده باشد. در نظام‌های سیاسی مختلف و با اندیشه‌های نظری، تئوریک و جهان‌بینی‌های متفاوت، قطعاً تعریف از این پدیده اجتماعی دگرگون می‌شود. لذا با توجه به اینکه ما در این مقاله از اندیشه امام خمینی (ره) بهره‌مند شده‌ایم، نگاه اسلام از کارآمدی را نیز مورد توجه قرار داده‌ایم. با توجه به اینکه اسلام، انسان را وظیفه‌مدار می‌داند، تعریف علمی جالبی می‌توان ارائه داد و آن اینکه کارآمدی به درست، کامل و بدون هرگونه کم‌کاری در انجام وظیفه گفته می‌شود. در اسلام کارگزاران مأمور به انجام وظیفه‌اند و نه نتیجه. در اندیشه و عمل امام خمینی کارآمدی یک نظام و کارآمدی کارگزاران نظام، کاملاً درهم تنیده‌اند و رسیدن به آرمان‌ها ملاک کارآمدی نیست؛ بلکه معتقد بودن به این آرمان‌ها و عمل کردن صحیح در حوزه وظایف برای گام برداشتن و نزدیک‌تر شدن به آرمان‌ها میزان کارآمدی را تعیین می‌نماید. در واقع این تعریف و ملاک‌های ما از موفقیت است که تعریف از کارآمدی را می‌سازد. کارآمدی یک نظام را باید با اهداف خود سنجید، نه با اهداف دیگران (مصباح، ۱۳۹۶: ۳۹۱).

«تحلیل این مطلب که جمهوری اسلامی ایران چیزی به دست نیاورده و یا ناموفق بوده است، آیا جز به سستی نظام و سلب اعتماد مردم منجر نمی‌شود؟! تأخیر در رسیدن به همه اهداف دلیل نمی‌شود که ما از اصول خود عدول کنیم. همه ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم نه مأمور به نتیجه» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۲۸۴). امام خمینی (ره)، با پیروی از سیره پیامبر (ص) و ائمه (ع)، در انجام وظیفه هیچ باکی به خود راه نمی‌دهد، او هدف‌گرا نیست و به دنبال انجام وظیفه شرعی و الهی خود است و همین را به دیگران نیز توصیه می‌کند و

می‌خواهد بدون هیچ ترسی، وظیفه خود را به درستی انجام دهند و در انجام وظیفه فقط خدا و مصلحت اسلام و مسلمین را در نظر بگیرند.

«ما باید ملاحظه وظیفه فعلی شرعی - الهی خودمان را بکنیم و باکی از هیچ امری از امور نداشته باشیم. کسی که برای رضای خدا ان شاء الله مشغول انجام وظیفه است، توقع این را نداشته باشد که مورد قبول همه است، هیچ امری مورد قبول همه نیست. کار انبیا هم مورد قبول همه نبوده است، لکن انبیا به وظایفشان عمل کردند و قصور در آن کاری که به آن‌ها محول شده بود نکردند، گرچه مردم اکثراً گوش ندادند به حرف انبیا. ما هم آن چیزی که وظیفه‌مان هست عمل می‌کنیم و باید بکنیم، گرچه بسیاری از این عمل ناراضی باشند یا بسیاری هم کارشکنی بکنند (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۲۴۶-۲۴۷)

## ۲-۱-۲- سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی یکی از مفاهیم علوم اجتماعی و به‌طور یقین جزء پرکاربردترین و پراهمیت‌ترین مفاهیم این حوزه در سال‌های اخیر بوده است. سرمایه اجتماعی جز مفاهیمی است که تعاریف متعددی نسبت به آن ارائه شده است. شاید بتوان رابرت پاتنام استاد علوم سیاسی و جیمز کلمن<sup>۲</sup> جامعه‌شناس را به عنوان محققان و یا نظریه‌پردازان اصلی در حوزه سرمایه اجتماعی دانست. چارچوب نظری سرمایه اجتماعی بسیار وسیع است و برای فهم آن باید عوامل مؤثر بر آن، پیامدها و نتایج آن را بررسی کرد.

پاتنام یکی از نظریه‌پردازان مهم در زمینه سرمایه اجتماعی است. وی سرمایه اجتماعی را پدیده‌ای عمومی می‌داند و می‌گوید: «سرمایه اجتماعی به‌سان یکی از ویژگی‌های ساختاری که فرد در آن قرار دارد، در مالکیت خصوصی هیچ‌یک از افرادی نیست که از آن منتفع می‌شوند. به همین دلیل مانند همه کالاهای عمومی از طرف عوامل خصوصی، کم‌ارزش تلقی شده تلاش زیادی برای افزایش آن عمل نمی‌آید، لذا سرمایه اجتماعی برخلاف دیگر اشکال سرمایه، اغلب باید به عنوان محصول فرعی دیگر فعالیت‌های اجتماعی ایجاد شود» (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۱). پاتنام شبکه‌ها، هنجارها، اعتماد و مشارکت را چهار مؤلفه اصلی سرمایه اجتماعی معرفی کرد. (فتحی، ۱۳۹۲: ۳۱). به اعتقاد بوردیو<sup>۳</sup> سرمایه به سه شکل؛ اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ظهور می‌یابد؛ سرمایه اجتماعی متشکل است از مجموعه‌ای از منابع

موجود یا بالقوه‌ای که از یک شبکه بادوام متشکل از روابط کم‌وبیش نهادین شده درزمینه آشنایی و شناخت متقابل ناشی شده باشد یا به‌بیان‌دیگر، عضویت در گروه، برای هر یک از اعضای آن گروه به واسطه برخورداری از سرمایه جمعی قابلیت را فراهم می‌کند که آن‌ها را از اعتبار، در انحای مختلف برخوردار می‌کند (اکبری، ۱۳۹۴: ۶۶). با دقت در تعریف بورديو گویی با عضویت افراد در گروه و شبکه‌ها؛ ایجاد منابع و منافع می‌کند؛ که بورديو آن را سرمایه اجتماعی می‌نامد. کلمن معتقد است؛ سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی شیء واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آن‌ها جنبه‌ای از ساخت اجتماعی هستند و کنش‌های معین افراد را در درون ساختار تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی مانند شکل‌های دیگر سرمایه مولد است و دستیابی به هدف‌های معین را که در نبود آن دست‌یافتنی نخواهد بود امکان‌پذیر می‌سازد. از نظر فوکویاما<sup>۴</sup> سرمایه اجتماعی با شعاع اعتماد اجتماعی ارتباط تنگاتنگی دارد. هرچه شعاع اعتماد در یک گروه گسترده‌تر باشد، سرمایه اجتماعی نیز گسترده‌تر خواهد بود و در نتیجه همکاری افزایش خواهد یافت. توسعه کمی و کیفی (افقی و عمودی) سرمایه اجتماعی به شعاع اعتماد بستگی دارد. از نظر فوکویاما، سرمایه اجتماعی از سه مؤلفه «اعتماد اجتماعی»، «ارزش‌ها» و «هنجارها» سرچشمه می‌گیرد. سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه در به وجود آمدن اعتماد نقش مؤثری دارند (فتحی، ۱۳۹۲: ۳۴).

### ۲-۱-۳- اعتماد اجتماعی

اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین شاخصه‌ها و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. از دغدغه‌های مهم هر نظام سیاسی افزایش و تقویت اعتماد در جامعه است. اعتماد بین مردم، بین نخبگان و مردم و همچنین بین نخبگان، برای یک جامعه و حاکمیت از اهمیت والایی برخوردار است. می‌توان اعتماد اجتماعی را نتیجه سرمایه اجتماعی و یا سرمایه اجتماعی را برابر با وجود اعتماد اجتماعی دانست. جان فیلد<sup>۵</sup> می‌گوید: اعتماد به خودی خود، مؤلفه سرمایه اجتماعی نیست، بلکه محصول سرمایه اجتماعی است؛ بنابراین در تحلیل سرمایه اجتماعی، اعتماد به عنوان بخشی از سرمایه اجتماعی عمل می‌کند و نمی‌تواند گویای تمام سرمایه اجتماعی باشد. (رداد، ۱۳۹۸: ۷۵). پاتنام از جمله نظریه‌پردازان سرمایه

اجتماعی است که اعتماد را یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی می‌داند. پاتنام در بحث از اعتماد، با توجه به «شعاع اعتماد» به دو نوع اعتماد شخصی و اعتماد اجتماعی اشاره دارد و نوع دوم را که در ادبیات سرمایه اجتماعی بعضاً «اعتماد تعمیم‌یافته» نیز نامیده می‌شود، برای جامعه سودمندتر می‌داند. به نظر وی این نوع اعتماد، شعاع اعتماد را از فهرست کسانی که شخصاً می‌شناسیم فراتر می‌برد و همکاری گسترده‌تری در سطح جامعه را موجب می‌گردد. پاتنام افزایش مشارکت‌های مدنی و گسترش شبکه‌های اجتماعی را سازوکارهای تبدیل اعتماد شخصی یا خاص به اعتماد اجتماعی یا تعمیم‌یافته معرفی می‌کند و آن را یک دارایی ضروری نظام اجتماعی به شمار می‌آورد (فقیه، ۱۳۹۲: ۳۹). بر طبق نظریه پاتنام، مفاهیم اعتماد و بده‌بستان از روابط شبکه‌ای اجتماعی مان برمی‌خیزد و به این ترتیب «امتیاز مدنی بودن»، یا یک اجتماع سرشار از اعتماد را تولید می‌کنند که ساکنان آن نه فقط هم دیگر را می‌شناسند، بلکه به شکل فعالی در زندگی هم دیگر نقش داشته و روابطی مفید و مملو از اعتماد\_ به‌عنوان مثال مواظبت از بچه‌های همسایه- را برقرار کرده‌اند. هم‌چنین باید توجه داشت که برای داشتن اجتماعی قوی و دارای سرمایه اجتماعی بالا، مفاهیم اعتماد و بده‌بستان و نیز تعهدات ناشی از آن‌ها در بین ساکنان بایستی دوسویه باشد. (علینی، ۱۳۹۱: ۹۹-۱۰۰).

پاتنام اعتماد اجتماعی را ناشی از دو منبع هنجارهای روابط متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی می‌داند. اعتماد، همکاری را تسهیل می‌کند و هرچه سطح اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد، احتمال همکاری نیز بیشتر خواهد بود. همکاری نیز اعتماد ایجاد می‌کند. به این ترتیب هرچه سرمایه اجتماعی بیشتر استفاده شود، به جای استهلاک و کاهش، برخلاف سرمایه فیزیکی، بیشتر افزایش خواهد یافت. از نظر پاتنام هرچه تعامل میان افراد بیشتر باشد، آن‌ها اطلاعات بیشتری درباره یکدیگر به دست می‌آورند و انگیزه‌های بیشتری برای اعتماد پیدا می‌کنند. (علینی، ۱۳۹۱: ۱۰۸).

## ۲-۲- مدل نظری

رابرت پاتنام اندیشمند آمریکایی، استاد علوم سیاسی دانشگاه هاروارد و یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. در دو مطالعه تطبیقی میان ایالت‌های مختلف در آمریکا و همچنین حکومت‌های منطقه‌ای تازه تأسیس در شمال و جنوب ایتالیا

در دهه ۷۰، تأثیرات سرمایه اجتماعی را در تقویت جامعه مدنی و کارآمدی دموکراسی از سویی و رشد و توسعه اقتصادی از سوی دیگر مورد بررسی قرار داده است... پاتنام در تعریف خود از سرمایه اجتماعی، سه مؤلفه شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد را به عنوان ویژگی سازمان اجتماعی برمی‌شمرد که در آثار متعدد خود، سرمایه اجتماعی را با این سه مؤلفه تعریف می‌کنند (فقیه، ۱۳۹۲: ۳۵-۳۶).

### الف) شبکه‌ها

پاتنام بر این باور است که تمام جوامع با شبکه‌های رسمی و غیررسمی و ارتباطات و مبادلات بین افراد شناخته می‌شود. او قائل به شبکه‌های افقی و عمودی است و اشاره می‌کند در جهان واقعی تقریباً همه شبکه‌ها ترکیبی از عمودی و افقی‌اند. شبکه‌های عمودی یعنی شبکه‌های سلسله مراتبی که نابرابری در آن وجود دارد و توانایی برقراری اعتماد و همکاری را ندارند.

پاتنام به سنت‌های مدنی شمال ایتالیا اشاره می‌کند که حاوی منبع تاریخی از اشکال مختلف همکاری است که در گذشته ارزش خود را به اثبات رسانده است و اکنون برای حل مشکلات جدید عمل جمعی در دسترس شهروندان هست و افراد برای یافتن راه‌حل به گذشته‌شان نگاه می‌کنند. به اعتقاد پاتنام، این شهروندان نمونه‌هایی از روابط افقی موفقیت‌آمیز را در تاریخشان می‌یابند و از آن الگو می‌گیرند... پاتنام می‌گوید: «ایده اصلی نظریه سرمایه اجتماعی این است که شبکه‌های اجتماعی، بیشتر مردم را به همکاری و اعتماد پذیری در برخورد هایشان تشویق می‌کنند تا شرایط کاملاً متمیزه شده و انفرادی ناشی از پی‌جویی نفع شخصی» (همان: ۳۷).

### ب) هنجارهای همیاری

پاتنام در تعریف هنجارهای همیاری به دو نوع متوازن و تعمیم‌یافته اشاره می‌کند. در نوع متوازن، با مبادله هم‌زمان چیزهایی با ارزش برابر مانند موقعی که همکاران روزهای تعطیلشان را باهم عوض می‌کنند، مواجه هستیم؛ اما در نوع تعمیم‌یافته، رابطه تداومی مداومی در جریان است که در همه حال یک‌طرفه و متوازن است، اما انتظارات متقابلی

ایجاد می‌کند، مبنی بر این که سودی اکنون اعطاشده است، باید در آینده بازپرداخت گردد... پاتنام می‌گوید: ملاک سرمایه اجتماعی اصل همیاری تعمیم‌یافته است. من اکنون این کار را برای شما انجام می‌دهم، بی آنکه چیزی در مقابل فوراً انتظار داشته باشم و شاید حتی بی آنکه شما را بشناسم، با این اطمینان که در آینده، شما یا دیگری لطف مرا پاسخ خواهید داد (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۱۶).

### ج) اعتماد

از اصلی‌ترین عناصر سرمایه اجتماعی و همچنین افزایش همکاری در نظریه پاتنام، اعتماد است. پاتنام بر این باور است که همکاری اعتماد را افزایش می‌دهد و نیز بلعکس بیشتر بودن اعتماد در جامعه باعث افزایش همکاری‌ها می‌شود. پاتنام در بحث اعتماد با توجه به «شعاع اعتماد» به دو نوع اعتماد شخصی و اعتماد اجتماعی اشاره دارد و نوع دوم را که در ادبیات سرمایه اجتماعی بعضاً «اعتماد تعمیم‌یافته» نیز نامیده می‌شود، برای جامعه سودمندتر می‌داند. به نظر وی این نوع اعتماد، شعاع اعتماد را از فهرست کسانی که شخصاً می‌شناسیم فراتر می‌برد و همکاری گسترده‌تری در سطح جامعه را موجب می‌گردد. پاتنام افزایش مشارکت‌های مدنی و گسترش شبکه‌های اجتماعی را از سازوکارهای اعتماد شخصی یا خاص به اعتماد اجتماعی یا تعمیم‌یافته معرفی می‌کند و آن را یک دارایی ضروری نظام اجتماعی به شمار می‌آورد (فقیه، ۱۳۹۲: ۳۹). پاتنام می‌گوید: «اعتماد اجتماعی، هنجارهای معامله متقابل، شبکه‌های مشارکت مدنی و همکاری موفقیت‌آمیز متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند» (پاتنام، ۱۳۸۰: ۳۰۹).

نظریه‌های مربوط به اعتماد را می‌توان در سه سطح خرد، متوسط و کلان قرارداد و برای هر کدام و با توجه به اندیشمندان و صاحب‌نظران هر دسته تعاریف متفاوتی ارائه کرد. در سطح خرد با نظریات و تئوری‌های اندیشمندانی روبرو هستیم که اعتماد فردی و شخصی را مدنظر دارند و جیمز کلمن به عنوان اصلی‌ترین نماینده این دسته شناخته می‌شود و در سطح میانه آنتونی گیدنز را مطرح‌ترین اندیشمند می‌دانند. در سطح میانه فرد با عموم جامعه وارد ارتباط می‌شود و به آن‌ها اعتماد می‌کند. فرانسیس فوکویاما و رابرت پاتنام به عنوان مطرح‌ترین صاحب‌نظران سطح کلان اعتماد هستند. این اعتماد به سطح اطمینان و مقبولیت

مردم از نظام و سیستم حکومتی و فعالیت‌ها و اقدامات دولت مربوط می‌گردد. به عبارت دیگر این وضعیت مربوط به ارزیابی سیاسی ناشی از ارتباط مردم با نهاد دولت است (صالحی امیری، ۱۳۸۷: ۳۹).

### ۳- عوامل و زمینه‌های ناکارآمدی کارگزاران از منظر امام خمینی (ره)

عواملی که شبکه‌های اجتماعی را چه از نوع رسمی و چه غیررسمی بر هم می‌زنند، ارتباطات و مبادلات بین افراد را کاهش می‌دهند، انتظارات بین افراد برای همکاری و اعتماد کردن به یکدیگر را افزایش می‌دهند، هنجارهای متوازن را جایگزین هنجارهای تعمیم‌یافته می‌کنند و حتی در بدترین حالت هنجارهای متوازن را نیز کم‌رنگ کرده که در این صورت اعتماد بین افراد به شدت کاهش یافته است و عواملی که اعتماد تعمیم‌یافته یا اجتماعی را کاهش می‌دهند، همگی در مجموع، ناکارآمدی محسوب می‌شود. این عوامل همکاری، مشارکت و مقبولیت مردم از نظام، سیستم حکومتی، اقدامات و فعالیت‌های دولت را کاهش می‌دهند؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت هر یک از عوامل ناکارآمدی که از منظر امام خمینی (ره) بررسی شده؛ خود زمینه‌ساز بی‌اعتمادی اجتماعی است. نکته مهم در بیان زمینه‌ها و عوامل ناکارآمدی کارگزاران، کلیدواژه، مأمور به انجام وظیفه بودن است که سبب متفاوت بودن عوامل ناکارآمدی در نظر امام با سایر اندیشمندان غربی و غایت‌گرا می‌شود. همچنین باید دانست که امام به عنوان یکی از متفکرین اسلامی کارآمدی را در ذیل مبانی اسلام و آرمان‌های انقلاب اسلامی تعریف می‌کند. عوامل و زمینه‌های ناکارآمدی کارگزاران با توجه به نظریه رابرت پاتنام، در سطح کلان بررسی شده است و به عبارت دیگر این عوامل به‌طور مستقیم به ارتباط مردم با حکومت و انتظارات مردم از کارگزاران نظام و نظام مربوط می‌شود.

### ۳-۱- تفکر لیبرالی کارگزاران

یکی از دلایلی که امام، در عدم صلاحیت و مشروعیت رهبری به آقای منتظری ذکر می‌کند؛ این نکته مهم است که؛ اداره کشور را به لیبرال‌ها خواهد سپرد. یکی از دغدغه‌های همیشگی امام این بوده است که این انقلاب به دست افرادی با تفکرات لیبرالی نیفتد. چراکه امام لیبرال‌ها را انسان‌هایی غرب‌گرا، سازش‌کار و همچنین خائن به اسلام و مسلمین می‌داند

و از هیچ رو نمی‌تواند به آن‌ها اعتماد داشته باشد. یکی از عوامل مهم در ناکارآمدی کارگزاران روی آوردن به تفکرات لیبرالی و فاصله گرفتن از تفکرات اسلام انقلابی است. این عامل، مقبولیت کارگزاران را نزد مردم کاهش می‌دهد و با هنجارها و ارزش‌های انقلاب اسلامی سازگاری ندارد.

«از آنجاکه روشن شده است که شما این کشور و انقلاب اسلامی عزیز مردم مسلمان ایران را پس از من به دست لیبرال‌ها و از کانال آن‌ها به منافقین می‌سپارید، صلاحیت و مشروعیت رهبری آینده نظام را از دست داده‌اید» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۳۳۰-۳۳۲).

### ۳-۲- انحراف در کارگزاران نسبت به صراط مستقیم

امام با توجه به مطالعات تاریخی و مشاهده قدر طلبی‌ها، ثروت‌اندوزی‌ها و انحراف در بسیاری از اصحاب و یاران پیامبر، بارها به مسئولین ذی‌ربط هشدار می‌دهد که با دیدن هرگونه انحراف در کارگزاران حساس باشند و جلوی این انحراف را بگیرند.

یکی از دلایل دیگر ناکارآمدی کارگزاران، انحراف از صراط مستقیم و دوری از وادی انسانیت است که او را از رسیدن به اهداف مهم اصلی بازمی‌دارد.

«اختیار با شماست که این دو راه را اختیار کنید: یا صراط مستقیم انسانیت را؛ یا انحراف به چپ، یا انحراف به راست. از هر طرف انحراف باشد، از انسانیت دور می‌شود. هر چه جلو برود دورتر می‌شود. کسی که از راه مستقیم منحرف شد هر چه پیش برود دورتر می‌شود از راه اگر از راه مستقیم انسانیت [دور شد] (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۳۲۴-۳۴۰).

### ۳-۳- ایجاد اختلاف و تفرقه

حفظ همبستگی و وحدت یکی از کلیدواژه‌های امام و همچنین یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی هست. امام با وحدت و انسجام درونی مردم توانست در برابر ظالمان و جهان‌خواران بایستد و انقلاب اسلامی را به پیروزی برساند. پس؛ وحدت و همبستگی و اجتناب از تفرقه، رمز پیروزی در بسیاری از کارها است. امام، ایجاد تفرقه و اختلاف در بین کارگزاران و ارگان‌های دولتی و غیردولتی را عاملی مهم در توقف، عقب‌گرد و از بین رفتن

تمامی فعالیت‌های پیشین می‌داند. حفظ همبستگی و دوری از اختلاف زمینه همکاری بیشتر را فراهم خواهد آورد. همکاری بیشتر در نظر پاتنام باعث اعتماد بیشتر در جامعه می‌شود.

«شک نیست که مقدم بر هر چیز وحدت و انسجام خود حضرات نمایندگان و دست‌اندرکاران و پشتیبانی هر قشر از سایر اقشار است. امروز با وضع حاضر جهان نسبت به ایران، اختلافات و تفرقه در داخل هر قشر یا قشری با اقشار دیگر که ناچار به اقشار ملت نیز سرایت می‌کند سم مهلکی است که اول خود و در پی آن کشور و ملت و بالاتر از همه اسلام بزرگ را به خطر نابودی می‌کشاند؛ و در عصر حاضر و وضع موجود گناهی عظیم‌تر و جنایتی هولناک‌تر از آن نخواهید یافت. حضرات علمای اعلام و ائمه جمعه - کثرالله امثالهم - توجه کنند که گاه یک جمله آنان یا یک مصاحبه و خطبه، جمهوری اسلامی را در سطح جهان زیر سؤال می‌برد و در داخل فاجعه می‌انگیزد و منشأ اختلاف و تفرقه می‌شود و موجب تضعیف سپاه و ارتش و سایر قوای مسلح می‌شود؛ یا موجب اختلاف بین سپاه و ارتش و سایر قوای مسلح می‌گردد؛ که خدای نخواستہ منتهی به از بین رفتن زحمات چندین ساله خود آقایان می‌گردد؛ و یا موجب تضعیف و دلسردی دولت خدمت‌گزار می‌شود؛ و با شکست خوردن دولت، پایه‌های جمهوری اسلامی متزلزل می‌شود» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۴۵۹-۴۷۲).

### ۳-۴- عدم توجه به پابرهنگان و مستضعفین

انقلاب اسلامی با پشتوانه توده مردم و آن هم مردم متوسط و محروم به پیروزی رسید. بار اصلی مبارزات در کف خیابان‌ها بر دوش همین مردم بوده است. حکومت تشکیل شده یک حکومت مردمی است و باید در ادامه نیز به این مردم توجه شود. امام انقلاب اسلامی را انقلابی برای دفاع از مستضعفین و پابرهنگان، فقرا و محرومین می‌داند. همچنین امام، خدمت به توده مردم را یکی از بزرگ‌ترین افتخارات کارگزار به شمار می‌آورد که این افتخار نصیب هر کس نمی‌شود. به عبارتی دیگر می‌توان گفت طبق نظریه پاتنام با شبکه‌سازی کارگزاران در بین توده مردم به خصوص مردم مستضعف و محروم، پایه‌های اعتماد مردم به حکومت مستحکم‌تر خواهد شد و در صورت نبود چنین شبکه‌ای امکان فروپاشی نظام بیشتر خواهد شد. «در حکومت اسلامی بهای بیشتر و فزون‌تر از آن کسی است که تقوا داشته باشد، نه ثروت و مال و قدرت و همه مدیران و کارگزاران و رهبران و روحانیون نظام و حکومت عدل

موظف‌اند که با فقرا و مستمندان و پابره‌نه‌ها بیشتر حشرونشر و جلسه و مراوده و معارفه و رفاقت داشته باشند تا متمکین و مرفهین و در کنار مستمندان و پابره‌نه‌ها بودن و خود را در عرض آنان دانستن و قرار دادن، افتخار بزرگی است که نصیب اولیا شده و عملاً به شبهات و القائنات خاتمه می‌دهد که به حمدالله در جمهوری اسلامی ایران، اساس این تفکر و بینش در حال پیاده شدن است» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۳۱۱-۳۴۷)

### ۳-۵- خودباختگی، سازش کاری و غرب زدگی

همه غرب زدگی‌ها ظلمت است، یعنی تمامی کارگزارانی که تمایلات غربی دارند، تمایلات ظلمانی دارند. امام منشأ تمام بدبختی‌های بشر را در تفکرات غرب می‌داند که روزه‌روز در وادی ظلمت در حرکت‌اند. طبق این نگاه هرگونه حرکت به سوی ظلمت ناکارآمدی محسوب می‌شود و یکی از عوامل و زمینه‌هایی که منجر به ناکارآمدی کارگزاران می‌شود حرکت به سوی ظلمت، یعنی تمایل به سوی غرب و غرب زدگی و خودباختگی فکری و روحی است. همچنین امام سازش با ظالم را نیز ظلم می‌داند. چراکه سازش با ظالم یعنی باز گذاشتن دست ظالم برای ظلم کردن و این خود ظلم و حرکت به سوی ظلمت و نابودی است. امام نه تنها سازشکاران را ناکارآمد، بلکه مزدور یا جاهل می‌داند.

«تمام ناروایی‌ها ظلمات است. تمام عقب‌افتادگی‌ها ظلمت است. تمام توجه‌های به عالم طبیعت ظلمت است. همه غربت زدگی‌ها ظلمت است. این‌هایی که توجهشان به غرب است، توجهشان به اجانب است، قبله‌شان غرب است، رو به غرب توجه دارند، این‌ها در ظلمات فرورفته‌اند، اولیایشان هم طاغوت است» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۴۵۹-۴۷۱)

«سازش با ظالم، ظلم بر مظلومین است، سازش با ابرقدرت‌ها، ظلم بر بشر است. آن‌هایی که به ما می‌گویند سازش کنید، آن‌ها یا جاهل هستند یا مزدور. سازش با ظالم، یعنی اینکه دست ظالم را باز کن تا ظلم کند. این خلاف رأی تمام انبیاست» (همان: ۴۷۹-۵۰۳).

### ۳-۶- سوء مدیریت و اصرار بر بقا

امام معتقد است مدیری که توان و استعداد مدیریت ندارد، ادامه مدیریت او گناه بزرگی است و اگر استعفا دهد کار بزرگان و صالحان را انجام داده است. در واقع استعفا به دلیل

ناکارآمدی، بسیار پسندیده و عملی صالح و عبادت محسوب شده است. اصرار بر بقا خود باعث بروز مشکلات و ناکارآمدی‌ها و درنهایت ضربه به مصلحت عمومی و اسلام، می‌شود. می‌توان زمینه بروز این نوع ناکارآمدی در کارگزار را ضعف در مسئولین بالادستی در انتخاب مدیران خوش‌فکر و صالح و همچنین ضعف در صلابت نفس برای عزل مدیران ناکارآمد دانست.

«ای متصدیان و دولت‌مردان از رده به اصطلاح بالا تا پایین، به هوش باشید که در دوراهی سعادت و شقاوت قرار دارید. طریق اعوجاجی، شیطان است و طریق مستقیم «الله» تبارک‌وتعالی... اگر به واسطه سوء مدیریت و ضعف فکر و عمل شما به اسلام و مسلمین ضرری و خللی واقع شود و خود می‌دانید و به تصدی ادامه می‌دهید، مرتکب گناه عظیمی و کبیره مهلکی شده‌اید که عذاب بزرگ دامن‌گیرتان خواهد شد. هر یک در هر مقام احساس ضعف در خود می‌کند، چه ضعف مدیریت و چه ضعف اراده از مقاومت در راه هواهای نفسانی، بدون جوسازی، دلاورانه و با سرافرازی نزد صالحان از مقام خود استعفا کند که این عمل صالح و عبادت است» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۴۶-۱۶۱).

### ۳-۷- بی‌توجهی کارگزاران به اصل جمهوریت

امام بارها بر کارگزاران، سرداران، فرمانداران و غیره، تأکید دارد که خودتان را از مردم جدا ندانید، امام تمامی کارگزاران را، مردمی از دل مردم می‌داند که به دلایل ویژگی‌ها و شرایطی قرار است مدتی را به آن‌ها خدمت کنند. جمهوری اسلامی یعنی مردم‌سالاری دینی و این یعنی پایه‌های این نظام بر محوریت اسلام و مردم است. اگر کارگزاری آمد، برای اسلام و مردم آمد. اصل جمهوریت یعنی خدمت‌گزاری به اسلام و مردم، یعنی این مردم این حکومت را انتخاب کردند و اداره می‌کنند، پس با توجه به این تعریف؛ اگر کارگزاری به جای خدمت‌گزار بودن، خود را فرماندار و حکمران بداند، از این اصل فاصله گرفته و زمینه ناکارآمدی برایش فراهم می‌شود.

### ۳-۷-۱- بی‌توجهی به مردمی بودن

«اسلام سردارهایش هم توی مردم‌اند. پیغمبر اسلام- صلی‌الله‌علیه‌و آله و سلم- خوب،

سردار همه بود، بزرگ همه بود، توی مردم بود. با مردم می‌آمد می‌نشست، توی مسجد می‌نشست مثل سایر مردم. حضرت امیر - سلام الله علیه - آن وقت که حکومت یک مملکتی بود که چندین مقابل ایران بود، مصر بود، حجاز بود، عراق بود، ایران بود، سوریه بود - عرض کنم - یمن بود، همه این‌ها تحت سیطره او بود، مثل سایر مردم می‌آمد با مردم می‌نشست و معاشرت می‌کرد. برای اینکه از مردم نمی‌ترسید. ظلم نکرده بود به مردم تا بترسد، از آن‌ها. خلافی نکرده بود که از مردم [بترسد]. برای مردم بود؛ مردم او را حامی خودشان می‌دانستند» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۳۷۸-۳۸۲)

### ۳-۷-۲- بی توجهی به خدمت گزار بودن

«...وضع سردارها با این سردارهایی که حکومت‌های بلاد بودند با مردم، وضع فرمانفرمایی و فرمان برداری نبوده است. وضع خدمت بوده است که فرمانفرماها خدمت گزار مردم بودند □ این جدایی دولت‌ها از ملت‌ها منشأ همه گرفتاری‌هایی است که در یک کشوری تحقق پیدا می‌کند (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۱۶-۱۲۴). «وصیت این جانب به وزرای مسئول در عصر حاضر و در عصرهای دیگر آن است که علاوه بر آنکه شماها و کارمندان وزارتخانه‌ها بودجه‌ای که از آن ارتزاق می‌کنید مال ملت است و باید همه خدمت گزار ملت و خصوصاً مستضعفان باشید و ایجاد زحمت برای مردم و مخالف وظیفه عمل کردن حرام و خدای نخواستگاری گاهی موجب غضب الهی می‌شود، همه شما به پشتیبانی ملت احتیاج دارید» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۳۹۳-۴۷۰).

### ۳-۷-۳- بی توجهی به جلب رضایت، محبت و ایجاد اعتماد و همبستگی با مردم

«وقتی مردم دیدند که یک نفری می‌خواهد قدرت خودش را تثبیت کند، مردم با او مخالف می‌شوند... هم صلاح خود شماست و هم صلاح کشور شماست و هم صلاح ملت است که شما با مردم دوست باشید. مردم احساس کنند که این‌ها دوست‌های آن‌ها هستند که آمده‌اند... هر کدام در هر جا که هستید مردم را همراه خودتان نگه دارید؛ و مردم را باهم جوش بدهید؛ یعنی صحبت‌هایی که می‌کنید، در مجالسی که مردم دارند، بروید صحبت کنید برای مردم... این قلب‌های صاف پاک مردم را نگه دارید... زمان رضاشاه هیچ کدام شما استاندار بوده‌اید؟!»

راه نمی‌دادند شما را توی ادارات. این مردم بودند که این دولت را به وجود آوردند و این رئیس‌جمهور را رئیس‌جمهور کردند» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۳۷۹-۳۹۰).

### ۳-۸- ضعف در مبانی اعتقادی کارگزاران

پایه و اساس تفکرات امام توحید است؛ و اعتقاد به توحید یعنی اینکه تمام انسان‌ها در فطرت باهم برابرند؛ و ملاک برتری انسان‌ها نسبت به هم نه فرمانداری، نه وزارت و نه هرگونه پست و مقام، نه ثروت و نه قدرت است، بلکه ملاک در اسلام تقوا است. طبق این اصل هیچ‌کس نمی‌تواند بر دیگری سلطه یابد و انسان تنها عبد خداوند است. «از همین اصل اعتقادی توحید، ما الهام می‌گیریم که همه انسان‌ها در پیشگاه خداوند یکسان‌اند. او خالق همه است و همه مخلوق و بنده او هستند. اصل برابری انسان‌ها و اینکه تنها امتیاز فردی نسبت به فرد دیگر بر معیار و قاعده تقوا و پاکی از انحراف و خطاست؛ بنابراین با هر چیزی که برابری را در جامعه بر هم می‌زند و امتیازات پوچ و بی‌محتوا را در جامعه حاکم می‌سازد باید مبارزه کرد» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۳۸۷-۳۹۳).

### ۳-۹- نداشتن مسئولیت‌پذیری، تعهد و وجدان کاری

وجدان کاری یعنی، شخص در هر مسئولیتی که به او داده‌شده است نسبت به دیگران در درون خودش احساس مسئولیت کند و الزامات و تعهدی که در قبال مسئولیت خود دارد را با رضایت قلبی کامل انجام دهد. در نظام اسلامی کارگزاران باید به‌گونه‌ای باشند که حتی اگر بازرس و ناظری بر او گمارده نشده باشد، او با وجدان کاری و تعهدی که دارد تا حد ممکن از بروز هرگونه بی‌مسئولیتی و خطا و کم‌کاری خودداری نماید. «این‌طور نباشد که یک بیماری در یک بیمارستان وارد بشود و او را نپذیرند. این‌ها از اموری است که با وجدان انسان مخالف است، با انصاف مخالف است، با رضای خدا مخالف است، باید خیلی توجه به این مسائل بکنند» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۲۳۳-۲۴۰).

«این یک مسئله معیاری است برای همه که اگر چنانچه واقعاً متعهد است، فرقی نکند که حالا من وزیرم، یا اینکه وکیل هستم، یا اینکه کار دیگر از من می‌آید، یک کار دیگر، هر چه شد؛ من برای اسلام می‌خواهم کار بکنم؛ و می‌دانید که الآن ما احتیاج داریم؛ مملکت

ما احتیاج به خدمت‌گزار دارد؛ احتیاج دارد که اشخاص فهیم، اشخاص فعال در این کشور خدمت بکنند» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۳۶۴-۳۶۸).

«علمی که پهلوی او اخلاق و تعهد اسلامی نبوده است، تهذیب نبوده است، دنیا را دانشگاه به فساد کشانده است» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۴۱۲-۴۲۲).

### ۳-۱۰- نبودن نظارت صحیح بر عملکرد کارگزاران

نبود دستگاه‌های نظارتی بر عملکرد کارگزاران و مقید کردن آن‌ها بر انجام برخی الزامات و تعهدات کاری، عدم امکان نظارت مردمی بر فعالیت مسئولین و منتخبین خود، عدم وجود شفافیت مناسب در نوع و نحوه عملکرد کارگزاران و غیره، همگی سبب شده است شرایط و زمینه‌هایی برای ناکارآمد شدن کارگزاران فراهم شود. وقتی کارگزاری هیچ دستگاه نظارتی اعم از مردمی و غیر مردمی بالای سر خود نبیند، طبیعتاً امکان اینکه برخلاف برخی موازین و الزامات عمل کند وجود دارد. همچنین عدم وجود شفافیت باعث شده است که کارگزاران نسبت به عملکرد خود پاسخگو نباشند.

«ما اگر نظارت نکنیم؛ یعنی، ملت اگر نظارت نکنند در امور دولت و مجلس و همه چیز، اگر کنار بروند، بسپارند دست این‌ها و بروند مشغول کاره‌ای‌شان بشوند، ممکن است یک‌وقت به تباهی بکشند. ما باید ناظر باشیم به امور مردم. ما باید، ملت باید ناظر باشد به اموری که در دولت می‌گذرد، اموری که -فرض کنید که- در مجلس می‌گذرد» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۶-۲۱).

«...در [ادارات] دولتی اشخاصی که رفت و آمد می‌کنند، این‌ها باید نظارت در کارهای آن‌ها بکنند، یعنی مثل سمت بازرسی و تفتیش و این‌طور چیزها که اگر خطایی این‌ها می‌کنند، تعمدی می‌کنند- عرض می‌کنم که- خیانتی می‌کنند، به دستگاه قضایی اطلاع بدهند تا اینکه آن‌ها تعقیب بکنند... همه‌جاهایی که یک عضوی از اعضای ادارات دولتی یا دولت، عضوی از اعضای دولت تکفل می‌کنند، مردم موظف‌اند که نظارت کنند در آن» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۵۲۵-۵۲۷).

### ۳-۱۱- قانون‌گزینی کارگزاران

در اندیشه امام، حکومت و بالاترین مقام آن یعنی ولی فقیه، وسیله و مجری قوانین و احکام خداوند هستند. در این نگاه حرف، حرف اسلام است. قانون، قانون خدا است و هیچ‌کس حتی پیامبر هم نمی‌تواند از این قانون تبعیت نکند. همه در برابر قانون خاشع‌اند؛ بنابراین همه باید مطیع قوانین الهی برای رسیدن به سعادت باشند. قانون‌گزینی موجب حرکت به سوی گمراهی و ضلالت انسان می‌شود.

«اسلامی که اساسش بر عدل است و بزرگ‌تر مقامش با کوچک‌تر مقامش در مقابل عدل علی‌السواء هستند و رئیس‌جمهورش با یک نفر بازاری در مقابل اسلام و در مقابل قوانین اسلام علی‌السواء هستند، بلکه بر بالاترها بیشتر باید تحمیل بشود تا پایین‌ترها» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۰۷-۱۱۹).

«مقصد این است که در حکومت اسلامی اسلام حکومت کند، قانون حکومت کند، اشخاص به رأی خودشان به فکر خودشان حکومت نکنند. رأی ندهند کسانی که خودشان را خیال می‌کنند صاحب رأی هستند، خودشان را متفکر می‌دانند، خودشان را روشنفکر می‌دانند؛ این‌ها رأی ندهند؛ برای اینکه آرای مردم در مقابل حکم خدا رأی نیست؛ ضلالت است... و هیچ دستگاهی را که برخلاف قوانین اسلام باشد نمی‌توانیم بپذیریم؛ و هیچ رأی را که برخلاف رأی اسلام باشد و رأی شخصی باشد. رأی گروهی باشد، رأی حزبی باشد، ما نمی‌توانیم بپذیریم. ما آن را می‌توانیم بپذیریم که قانون اسلام حکم‌فرمایی کند. ما تابع اسلام هستیم؛ ما تابع قانون اسلام هستیم» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۲۸۱-۲۸۵).

### ۳-۱۲- خوی اشرافی‌گری و دل‌بسته شدن به دنیا و متعلقات آن

امام (ره) همواره بر انتخاب کارگزاران از طبقه کوخ‌نشینان و متوسط جامعه تأکید داشتند. در سیره نظری و عملی امام، ساده‌زیستی موج می‌زند و او با تأکید به بررسی زندگانی پیامبر و ائمه و به خصوص حضرت امیر، می‌خواهد ساده‌زیستی در مسئولین و کارگزاران را امری بدیهی در نزد بزرگان اسلام جلوه بدهد و نیز خوی اشرافی‌گری را عاملی از بدبختی و تیره‌روزی کارگزاران می‌داند، چراکه شخص اشراف به خاطر ترس از دست دادن ثروت

و شوکت خود به هر طریقی می‌خواهد این مقام و شوکت را حفظ کند و در این راه ممکن است به افراد زیردست خود ظلم به نماید.

«شما گمان نکنید که اگر با چندین اتومبیل بیرون بیایید و جبهه‌تان پیش مردم بزرگ می‌شود، آن چیزی که مردم به آن توجه دارند و موافق مذاق عامه است، اینکه زندگی شما ساده باشد، همان طوری که سران اسلام و پیغمبر اسلام و امیرالمؤمنین و ائمه ما زندگی‌شان ساده و عادی بود بلکه پایین‌تر از عادی. آن‌ها هم که جمهوری اسلامی را بپا کردند، مردم عادی هستند و کسانی که بالا بالاها نشستند، هیچ دخالتی در این مسائل نداشته و ندارند» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۳۱۷-۳۲۰).

«آن خوی کاخ‌نشینی مضر است، خودش مضر نیست، خویش مضر است، لکن خود او، این خوی را دنبال دارد» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۳۷۱-۳۸۵).

### ۳-۱۳- عدم برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی مناسب

در اندیشه امام، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی کارها زیر نظر متخصص و با نظارت روحانیون کارشناس در هر حوزه، موجب پیشبرد سریع امور می‌شود و بی‌توجهی به این امر، ناکارآمدی و یا معطل ماندن کارها را به همراه خواهد داشت.

«برنامه‌ریزی‌ها را باید باکمال دقت، اشخاصی که تخصص دارند، اشخاصی که توجه به مسائل سیاسی و مسائل اجتماعی و مسائل اسلامی دارند، این‌ها باید باکمال دقت بررسی کنند و متحداً باهم برنامه‌ریزی کنند و برای کشور راه برنامه‌ریزی، راهی باز می‌کند برای پیشبرد مقاصد کشور. لکن یک نکته را عرض کنم و آن اینکه اگر برنامه‌ریزی را بدون نظارت روحانیون بکنند- یعنی، متخصصینی که از روحانیون هستند- این موجب این می‌شود که برنامه را که ریختید ببرید مجلس، مجلس رد کند؛ آن‌ها قبول کردند، ببرید در کمیسیونی که تخصص در این امر دارند، آن‌ها رد کنند. از اینجا بگذرد، ببرید در شورای نگهبان، آنجا رد کنند. این اسباب این می‌شود که کارها معطل بماند» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۱۷-۱۲۸).

### ۳-۱۴- مدیر و مدبر نبودن

این عامل نیز به ضعف مسئولین بالادستی در انتخاب کارگزاران و مدیران برمی‌گردد. ضعف در تشخیص اینکه کدام مدیر در کدام قسمت برای نظام و مردم مفیدتر است و یا اصلاً کارگزار انتخاب شده دارای صلاحیت لازم و آگاه به شرایط، زمان و مکان است، برمی‌گردد.

«دولت بدون گزینش اشخاص متعهد و متخصص در رشته‌های مختلفه موفق نخواهد شد و دولت‌مردان در گزینش همکاران به کاردانی و تعهد آنان و بهتر خدمت کردن آن‌ها به کشور و در منافع ملت بودن آنان تکیه کنند تا در پیش حق تعالی و ملت روسفید باشند و در امور موفق باشند، نه بر دوستی و آشنایی و حرف‌شنوی بی‌تفکر و تأمل که این رویه موجب ناکامی در خدمت به کشور است» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۴۶-۱۶۱)

### ۳-۱۵- سیاست‌بازی و حزب‌گرایی

شاید با خواندن این عامل به ذهنمان برسد که این جملات را امام در اوایل انقلاب گفته است و دلیلش وجود احزاب و گرایش‌های سیاسی زیاد در کف جامعه بوده است که هر کدام ساز خود را می‌زدند و به مصالح نظام و مردم توجهی نمی‌کردند؛ اما وقتی به صورت عمیق اندیشه امام را بررسی نماییم، متوجه می‌شویم که منظور امام هرگونه حزب‌بازی و سیاسی‌بازی برای رسیدن به قدرت و یا ماندن در قدرت است؛ طوری که به هیچ‌وجه مصالح نظام و مردم در نظر گرفته نشود.

«اصل حزب‌بازی را، به نظر من که در صدر مشروطیت حزب را در ایران درست کردند، حزب‌بازی را برای همین درست کردند که نگذارند این ملت باهم آشتی کنند. برای اینکه، حزب را می‌دیدند که اینجا بنای این‌ها این است که وقتی این حزب شد حزب عدالت و آن حزب شد حزب دموکرات که در صدر مشروطه بوده، این‌ها باهم دشمن‌اند» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۳-۲۸).

«این هم یک راهی بود که احزاب مختلفه درست می‌کردند و این احزاب باهم جنگ سیاسی می‌کردند. تمام این‌ها اسباب این شد که از آن گرفتاری‌های اصلی که ما داریم که آن گرفتاری مسلمانان است به دست قدرت‌های بزرگ، از او غفلت بکنیم. چه بهتر برای آن‌ها از

اینکه ما صبح که بلند می‌شویم همه‌اش مشغول حزب‌بازی باشیم؛ یا مشغول مخالفت خودمان باهم باشیم. مخالفت دانشگاه با روحانیون، روحانیون با دانشگاه، این مذهب با آن مذهب؛ آن مذهب با آن مذهب، این حزب با آن حزب، در یک مذهب، این حزب با آن حزب؛ و همین طور تا آخر» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۵۰۵-۵۱۰).

### ۳-۱۶- تکبر و منیت ناشی از قدرت

امام، ریشه تمام فسادها را در حب نفس می‌داند. حب نفس باعث می‌شود کارگزار از مسئولیت اصلی فاصله گرفته و با دل بستن به مقام و دنیا به فساد گرفتار شود. دور شدن از ارزش‌های انسانی و اسلامی در نظام اسلامی موجبات بی‌اعتمادی متقابل را فراهم می‌آورد.

«اینکه در روایات ما هست که حُبُّ الدنیا رأسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ، این یک واقعیتی است؛ و اساس حب دنیا هم ریشه حب دنیا هم حب نفس است که آن هم حب دنیا است. تمام فسادهایی که در بشریت پیدا شده است، از اولی که بشریت تحقق پیدا کرده است تاکنون و تا آخر، منشأش همین حب نفس است. از حب نفس است که حب به جاه، حب به مقام، حب به مال و حب به همه انگیزه‌های شهوانی پیدا می‌شود» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۶۱-۱۷۴).

### ۳-۱۷- عدم توجه به رفاه عمومی و تصمیم‌گیری بر اساس ملاحظات شخصی

یکی دیگر از زمینه‌های ناکارآمدی، تصمیم‌گیری بر اساس سلیق شخصی، رانت بازی، آشنا بازی و توجه نکردن به مصلحت عمومی است. بی‌توجهی به رفاه مردم باعث گله‌مندی مردم از وضعیت موجود و کاهش مقبولیت نظام در سطح کلان می‌شود.

«برنامه‌ریزی در جهت رفاه متناسب با وضع عامه مردم توأم با حفظ شعائر و ارزش‌های کامل اسلامی و پرهیز از تنگ‌نظری‌ها و افراط‌گرایی‌ها و نیز مبارزه با فرهنگ مصرفی که بزرگ‌ترین آفت یک جامعه انقلابی است» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۵۵-۱۵۹).

### ۳-۱۸- عدم اصلاح ساختار اداری توسط کارگزار مربوطه

با توجه به اصل شبکه‌سازی و همکاری نظریه پاتنام؛ در صورت بی‌توجهی به وضعیت

آشفته ساختار اداری، وقت مردم در بروکراسی‌های خسته‌کننده ادارات هدر و پتانسیل و انرژی آن‌ها تخلیه می‌شود. وقتی مردم خسته شوند دیگر میلی برای حمایت از کارگزاران و نظام ندارند و مشارکت نیز پایین می‌آید. در ساختار بوروکراتیک سخت ادارات با وجود کاغذبازی‌های بی‌مورد و مزاحم، بیت‌المال نیز که سرمایه همین مردم است هدر می‌رود. همچنین در این بروکراسی پیچیده در ادارات، امور مردم در اسرع وقت رسیدگی نمی‌شود و این خود یکی دیگر از نشانه‌های ناکارآمدی است؛ لذا کارگزار مربوطه برای جلوگیری از ناکارآمدی باید به اصلاح ساختار و توجه به رسیدگی امور مردم بپردازد.

«من از پیشگاه ملت ایران معذرت می‌خواهم. من از شما برادران، برادران ارتشی، برادران پاسدار، برادران ژاندارمری و سایر قوای انتظامی که در راه اسلام جوان‌های خودشان را دادند، معذرت می‌خواهم. ما نتوانستیم برای شما کاری انجام بدهیم. ما ضعیف هستیم. ما باز گرفتار کاغذبازی هستیم. ما باز گرفتار آرم‌هایی شاهنشاهی هستیم. مملکت ما باز مملکت شاهنشاهی است. وزارتخانه‌های ما، وزارتخانه‌های ما باز وزارتخانه‌های طاغوتی است و ما نتوانستیم این‌ها را اصلاح کنیم. باید به اسرع وقت اصلاح شود و اگر اصلاح نشود به اسرع وقت اصلاح می‌کنیم» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۴۷۵-۴۷۹).

«باید تمام ادارات از نخست‌وزیری تا کوچک‌ترین اداره از تجمل‌پرستی و اسراف و کاغذبازی بپرهیزند و کار مردم را سریعاً انجام دهند» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۲۶۱-۲۶۶).

#### ۴- ابعاد و مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی از منظر امام

نوع انسان در دنیا با معاونت و معاضدت بعضی با بعضی زندگانی راحت می‌تواند بکند، زندگانی انفرادی برای هیچ‌کس میسر نیست، بنیان جامعه بر اعتماد اجتماعی نهاده شده است (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۴۷۶). واضح است که امام در سطح کلان به اعتماد می‌نگرد و اعتماد مردم به نظام را مدنظر دارد آن را بنیان و اساس جامعه می‌داند. امام در بحث اعتماد به اجتناب از خیانت و امانت دار بودن اشاره می‌کند. از نظر امام انسان خائن از وادی انسانیت خویش رها می‌شود و زندگی کردن با یک انسان خائن بسیار دشوار است چراکه اعتماد از بین رفته است. حرف کلیدی در جمله امام این است که بنیان یک جامعه بر اعتماد اجتماعی نهاده شده است و این یعنی همان‌طور که با کنش متقابل افراد؛ اعتماد بین شخصی ایجاد

می‌شود، در صورتی که یک نظام از کارایی لازم برخوردار باشد حکم همان کنش را دارد و باعث اعتماد به کارگزاران نظام می‌شود. وقتی ما اعتمادمان از یک قاضی سلب می‌شود، بنا بر اصل سرایت و انتقال در سطوح دیگر، اعتماد ما از دستگاه قضا نیز سلب می‌شود؛ و در صورتی که بی‌اعتمادی در تمام سطوح یک نظام سرایت کرد، تبدیل به یک ذهنیت در جامعه می‌شود که نظام فاسد است پس مشروعیت آن کاهش می‌یابد و باید نابود شود. همان‌طور که یک شخص در لباس روحانیت به عنوان نمادی از جامعه روحانیت شناخته می‌شود، سایر کارگزاران نیز این گونه‌اند و در نتیجه خیانت و بدعهدی هر یک موجب بی‌اعتمادی در تمام جامعه روحانیت و سایر کارگزاران نظام می‌شود. تمام این موارد؛ زمینه کاهش مقبولیت و اطمینان‌پذیری نسبت به حکومت، ارکان حکومت و فعالیت‌های حکومت و همچنین کاهش چشمگیر همکاری را در پی خواهد داشت؛ که بر اساس نظریه پاتنام، با کاهش همکاری بی‌اعتمادی اجتماعی افزایش می‌یابد.

«از شما توقع است که وقتی از مرکز فقه رفتید، خود مهذب و ساخته‌شده باشید تا بتوانید مردم را بسازید و طبق آداب و دستورات اخلاقی - اسلامی آنان را تربیت کنید؛ اما اگر خدای نخواست در مرکز علم، خود را اصلاح نکردید... به هر جا که بروید، العیاذ بالله، مردم را منحرف ساخته، به اسلام و روحانیت بدبین خواهید کرد... درد اینجاست: اگر مردم از شما عملی که برخلاف انتظار است، مشاهده کنند، از دین منحرف می‌شوند؛ از روحانیت برمی‌گردند، نه از فرد» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۲-۱۴).

برخی از شاخصه‌ها و مؤلفه‌های اعتماد در زیر‌بدان اشاره شده است و آن‌ها را از منظر امام خمینی (ره) واکاوی کرده‌ایم. این شاخصه‌ها؛ سیاسی، اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی‌اند. هر کدام از این شاخصه‌ها، مؤلفه و عوامل اعتماد اجتماعی بین مردم و کارگزاران و به نظام و در سطح کلان می‌باشند.

#### ۴-۱- انقلابی و غیر جناحی بودن کارگزاران

پایبندی به ارزش‌ها، هنجارها و اصول برآمده از فرهنگ و زمینه‌های مذهبی مردم موجب افزایش اعتماد مردم به دست‌اندرکاران حکومت خواهد شد و اطمینان آن‌ها به فعالیت‌ها را بیشتر می‌کند. «اخیراً دست‌های پنهان و آشکار غرب و شرق به منظور ایجاد شکاف و

اختلاف میان طرفداران انقلاب اسلامی به حيله جدیدی متوسل شده‌اند که مسئولین عزیز و رده‌بالای کشورمان و نیز شخصیت‌ها و چهره‌هایی از مجلس و دولت و روحانیون را به تفکر و گرایش‌های وابستگی و همچنین عدول از مواضع گذشته و نهایتاً به شریک‌گرایی یا غرب‌گرایی متهم نمایند و مودیانه با طرح مسائلی از این قبیل که فلان شخصیت نظام جمهوری اسلامی راست‌گرا و یا میانه‌رو و یا سازش‌کار و غرب‌گراست و یا فلان مسئول تندرو و انقلابی شده است که نتیجتاً اعتماد مردم را به دست‌اندرکاران نظام سلب نمایند» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۵۵-۱۵۹).

#### ۲-۴- مردمی بودن کارگزاران

ایجاد هنجارهای تعمیم‌یافته این حس را در بین مردم ایجاد می‌کند که کارگزاران نظام از جنس خود مردم‌اند و مردم با قبول آن‌ها و اعتماد به آن‌ها، هدفمندی زندگی و سود ناشی از این اعتماد را در آینده انتظار دارند.

«وقتی که این‌طور باشد که بتواند یک سلطان مملکت، فرض کنید یا یک نخست‌وزیر مملکت، بتواند برود توی مردم، با مردم باشد، صحبت کند، حرف بزند، چه بکند، وقتی این‌طور باشد، خوب، اساس به احترام صدرنشینی‌اش و حکومتی‌اش باز هست، با اضافه اینکه مردم پشتیبان او هستند، مردم او را چون پاسبان خودشان می‌دانند، پشتیبانشان هستند» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۲۳۰-۲۴۰).

#### ۳-۴- تأمین حقوق و آزادی مدنی

زمانی اعتماد تعمیم‌یافته در جامعه‌ای به وجود می‌آید که به مردم حق اظهار نظر داده شود، مردم در حقوق برابر باشند، مردم خود را آزاد در هرگونه رشد و فعالیت‌های ذیل قانون آن نظام ببینند.

«حقوق همه افراد، چه برادرهای اهل سنت و چه برادرهای اهل تشیع و چه آن‌هایی که اقلیت مذهبی رسمی دارند، حقوق آن‌ها همه هم در قانون اساسی ملحوظ شده است و هم اسلام برای همه آن‌ها حقوق قائل است و با عدل اسلامی رفتار می‌کند» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۷۷-۸۲).

«اسلام، هم حقوق بشر را محترم می‌شمارد و هم عمل می‌کند. حقی را از هیچ‌کس نمی‌گیرد. حق آزادی را از هیچ‌کس نمی‌گیرد. اجازه نمی‌دهد که کسانی بر او سلطه پیدا کنند که حق آزادی را به اسم آزادی از آن‌ها سلب کند و حق استقلال را به اسم استقلال از آن‌ها سلب کند» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۶۹).

#### ۴-۴- قانون‌گرایی کارگزاران و مردم

اعتماد تعمیم‌یافته، اعتمادی متقابل است. کسی به کسی اعتماد می‌کند که شخص مقابل نیز بتواند به او اعتماد کند. در سطح کلان نیز زمانی مردم به حکومت و کارگزاران آن اعتماد می‌کنند که ببینند آن‌ها نیز به مردم اعتماد می‌کنند. کارگزارانی که با داشتن قدرت و جایگاه سیاسی برتر، دقیقاً بر طبق همان قانونی عمل می‌کنند که سایر توده مردم جامعه بدان عمل می‌کنند، نشان دهند آن است که به مردم جامعه اعتماد دارند و برعکس.

«لازم است همه به‌طور اکید به مصالح اسلام و مسلمین توجه کنیم و به قوانین، هرچند مخالف نظر و سلیقه شخصی مان باشد احترام بگذاریم و به این جمهوری نوپا که مورد هجوم قدرت‌ها و ابرقدرت‌هاست وفادار باشیم» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۴۳۱)

#### ۴-۵- نظارت و مشارکت مردم

با ایجاد شبکه‌های رسمی و غیررسمی برای ایجاد همکاری، اعتماد اجتماعی نیز افزایش خواهد یافت. همچنین با ایجاد دستگاه‌های نظارتی، کارگزاران دولت و همچنین مردم، تمام سعی خود را انجام خواهند کرد که بر اساس قانون عمل کنند و کوچک‌ترین خطایی از آن‌ها سر نزنند، چراکه با کشف فساد، ناکارآمدی، کم‌کاری و هرگونه خطا، رسوا خواهند شد و طبیعتاً اعتماد از بین خواهد رفت.

«بدون اینکه این ملت همراهی کند ما نمی‌توانستیم کاری بکنیم. هر چی داریم از این‌هاست و هر چی هست مال این‌هاست، دولت عامل این‌هاست، قوه قضائیه عامل این‌هاست، قوه اجراییه عامل این‌هاست. قوه مقننه عامل این‌هاست؛ ادای تکلیف باید بکنند، شرکت بدهند مردم را در همه امور. همان‌طوری که با شرکت مردم در این جنگ، شما به حمدالله پیروز شدید و پیروزتر هم خواهید شد، با شرکت این‌ها شما می‌توانید اداره کنید

این کشور را. مردم را در امور شرکت بدهید، در تجارت شرکت بدهید، در همه امور شرکت بدهید. مردم را در فرهنگ شرکت بدهید، مدارس می‌خواهند درست کنند کارشکنی نکنید برایشان، البته نظارت لازم است، انتقاد هم لازم است، لکن کارشکنی نکنید» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۵۵-۵۶).

#### ۴-۶- رفیق و مدارا توسط کارگزاران و مردم

رفیق و مدارا موجب افزایش همکاری خواهد شد و با افزایش همکاری اعتماد اجتماعی افزایش خواهد یافت. «من بازهم از باب اینکه می‌خواهیم با همه مسلمین، با همه دولت‌ها به‌طور مدارا رفتار کنیم و هیچ‌وقت میل نداریم که با خشونت رفتار کنیم، از آن‌ها می‌خواهم که تجدیدنظر بکنند در افکار خودشان. آن روزی که شما گرفتار بشوید امریکا به دردتان نمی‌خورد» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۳۵).

#### ۴-۷- صداقت کارگزاران و مردم

یکی از عوامل مهم در اعتماد متقابل صداقت طرفین است. در سطح کلان نیز صداقت کارگزاران و مردم اعتماد اجتماعی را افزایش می‌دهد.

«اگر همه قشرهای مملکت به این فکر باشند که الآن مملکت اسلامی است و باید همان‌طوری که دستور اسلام است عمل بکنند. کم‌کاری در کاری که باید کار بکنند نداشته باشند، انحراف نباشد در کار، با صداقت، با امانت، با توجه به خدا، عمل بکنند» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۴۳).

#### ۴-۸- امانت‌داری و عدم خیانت کارگزاران

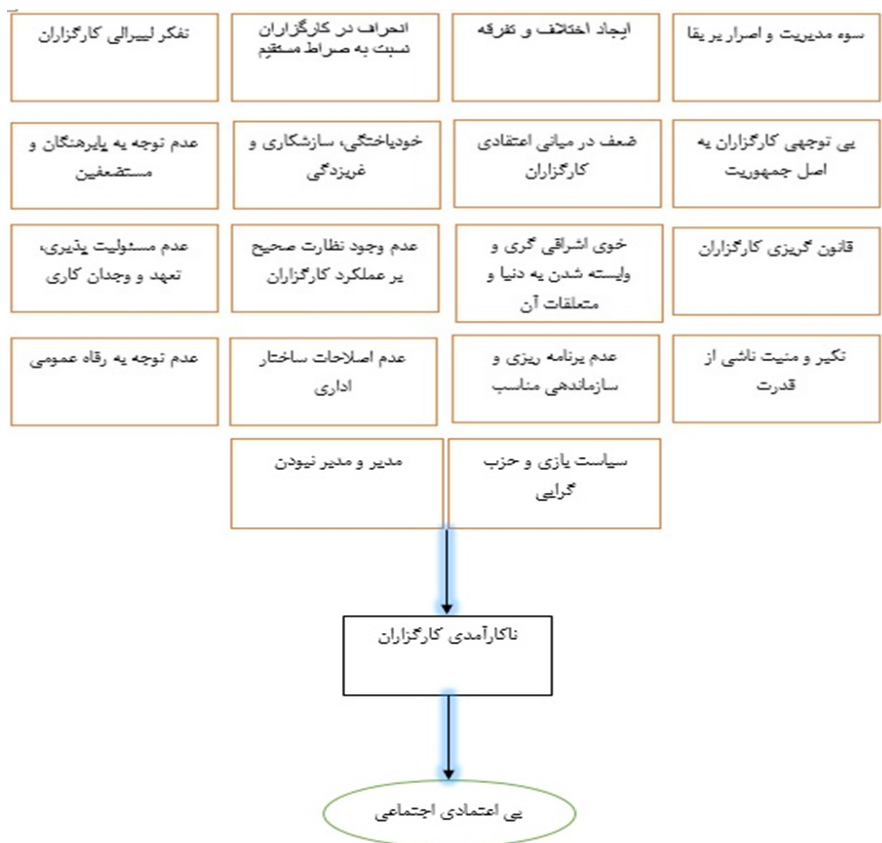
امانت‌داری نیز از جمله عوامل حفظ، پایداری و طولانی شدن رابطه‌ها است. امانت‌داری اعتماد را وسعت می‌دهد و بعد از هر امانت‌داری شخص اعتماد کننده می‌تواند در موارد مهم‌تر و بزرگ‌تر به شخص اعتماد شونده اعتماد کند. در سطح کلان هم به همین منوال اعتماد اجتماعی وسعت می‌یابد. «و من کراراً به آقایان عرض کرده‌ام و حالا هم باز تکرار می‌کنم که خدمت‌گزار باشید به این ملتی که آن دست‌های خیانت‌کار را قطع کرد و این

امانت را به شما سپرد. شما الآن امانت بزرگی از دست این ملت تحویل گرفتید و مقتضای امانت‌داری این است که آن را به‌طور شایسته حفظ کنید و به‌طور شایسته به نسل آینده و دولت‌های آینده تحویل بدهید و مادامی که این‌طور باشید ملت پشت شماست و مادامی که ملت همراه شما باشد هیچ آسیبی به شما و به کشور نمی‌رسد» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۷۷-۸۲).

#### ۴-۹- کارآمدی کارگزاران

همان‌طور که به بررسی اهمیت کارآمدی پرداختیم، همه عوامل در کارآمدی کارگزاران می‌تواند به عنوان عوامل اعتماد اجتماعی نیز مطرح شوند و واژه کارآمدی در این بخش دربردارنده تمامی آن عوامل در دل خود است؛ یعنی کارگزار کارآمد لیبرال نیست، به مستضعفین توجه دارد، ساختار اداری حوزه کاری خود را اصلاح کرده است و غیره. اینکه چه کسانی حق دارند بر مردم حکومت کنند؟ این افراد باید دارای چه خصوصیت و ویژگی‌هایی باشند؟ وقتی مردم در مواجهه با کارگزاران آن ویژگی‌ها و شاخصه‌ها را نبینند خودبه‌خود اعتمادشان نسبت به آن‌ها و نظام را از دست می‌دهند و درواقع از تبعیت این افراد سر باز می‌زنند و این عدم تبعیت می‌تواند با کنش‌های متفاوتی مانند قانون‌گریزی، مدارا نکردن و یا کنش‌های دیگر نمود پیدا کند. کارگزاران ناکارآمد یکی از عاملین اصلی ناکارآمدی نظام و در نتیجه بی‌اعتمادی مردم و تبعیت نکردن از نظام‌اند. «کاری بکنید که مردم محبت به شما پیدا بکنند؛ پشتیبان شما باشند. اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد؛ اگر یک ملت پشتیبان یک رژیم باشد، آن رژیم از بین نخواهد رفت. اینکه رژیم سابق از بین رفت، برای اینکه پشتیبان نداشت؛ ملت پشتیبانش نبودند» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۳۷۲). با توجه به کلمه کلیدی امام مبنی بر پشتیبانی مردم که همان تبعیت و همراهی مردم از حکومت است؛ یعنی اگر بی‌اعتمادی ناشی از ناکارآمدی کارگزاران و نظام رخ دهد مردم دیگر پشتیبان کارگزاران و نظام نخواهند بود و در نتیجه نظام سقوط می‌کند. امام می‌گوید باید خدمت‌گذار مردم باشند چراکه دارند در دستگاه حکومت از مال ملت و مستضعفین ارتزاق می‌کنند، پس باید برای مردم و در خدمت مردم عمل و کار کنند. امام بر روی تداوم مشروعیت نظام تأکید دارد و لازمه این تداوم، کارآمدی کارگزاران و نظام است که منجر به پشتیبانی مردم می‌شود. «کاری بکنید که دل مردم را به دست بیاورید. پایگاه پیدا کنید در بین مردم. وقتی پایگاه پیدا

کردید، خدا از شما راضی است؛ ملت از شما راضی است؛ قدرت در دست شما باقی می ماند و مردم هم پشتیبان شمایند» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۵۱۳).



شکل (۱) الگوی نظری کاهش اعتماد اجتماعی در اندیشه امام خمینی (ره)

### نتیجه گیری

ناکارآمدی کارگزاران طبق سیره نظری و عملی امام خمینی (ره)، به عوامل گوناگونی برمی گردد که درباره آن ها توضیح داده شد. ارتباط کارگزاران و نظام یک ارتباط متقابل و به هم چسبیده است طوری که ناکارآمدی کارگزار به صورت ناکارآمدی نظام جلوه گر می شود. وجود کارگزاران ناکارآمد باعث به وجود آمدن مشکلات فراوان در حوزه های مختلف اعم

از سیاست، اقتصاد، فرهنگ، دین و غیره می‌شود. وجود این مشکلات و سختی‌ها در زندگی روزمره مردم، سبب کاهش اعتماد آن‌ها به کارگزاران و در نتیجه به نظام می‌شود و اطمینان خود از عملکرد و فعالیت‌های نظام را از دست می‌دهند و همکاری نیز سخت می‌شود. با کاهش اعتماد اجتماعی، مشارکت کاهش می‌یابد و با افول سرمایه اجتماعی بحران‌های شدیدی در نظام حاصل می‌شود. بحران مشروعیت مهم‌ترین این بحران‌ها است که در صورت ادامه، بی‌اعتمادی منجر به فروپاشی نظام می‌شود. از جمله مهم‌ترین عوامل کاهش بی‌اعتمادی که خود منجر به ایجاد عوامل تأثیرگذار دیگر می‌شود و سرچشمه بسیاری از عوامل بی‌اعتمادی و یا به عبارت دیگر عوامل بی‌اعتمادی بسیاری در صورت وجود این عامل به وجود می‌آیند، وجود کارگزاران ناکارآمد و اصرار بر بقای آنان هست. در شکل شماره (۱) که بر اساس اندیشه امام (ره) طراحی شده، عواملی که باعث ناکارآمدی کارگزاران می‌شود برشمرده است. این عوامل با ناکارآمد کردن کارگزاران زمینه بی‌اعتمادی اجتماعی را فراهم می‌کند. به عبارت دیگر هر یک از عوامل ناکارآمدی، به عنوان عامل بی‌اعتمادی اجتماعی نیز می‌تواند شناخته شوند.

### پی‌نوشت

1. Robert D. Putnam
2. James Samuel Coleman
3. Pierre Bourdieu
4. Yoshihiro Francis Fukuyama
5. John Field
6. Anthony Giddens

### کتاب نامه

۱. فتحی. یوسف، (۱۳۹۲)، سرمایه اجتماعی در اندیشه امام خمینی، قم: دفتر نشر معارف.
۲. عمید. حسن، (۱۳۸۳)، فرهنگ عمید، تهران: مؤسسه امیرکبیر.
۳. زین‌الدین. مجید، فرهی. علی، سلطانی. محمدرضا، (۱۳۹۵)، «پیامدهای کارآمدی در قوه قضاییه از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری»، فصلنامه علمی تخصصی اسلام و مدیریت، شماره ۸ و ۹.
۴. دارا. جلیل، خاکس. محسن، (۱۳۹۶)، «کارآمدی و تداوم نظام مردم‌سالاری دینی از منظر سرمایه اجتماعی»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۵۱.
۵. باغستانی کوزه‌گر. محمد، محمدی. علیرضا، (۱۳۹۲)، «تحلیل رابطه کارآمدی سیاسی و تکلیف‌گرایی در گفتمان امام خمینی»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۶.
۶. مصباح یزدی. محمدتقی، (۱۳۹۶)، حکیمانانه‌ترین حکومت: کاوشی در نظریه ولایت فقیه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۷. امام خمینی. روح‌الله، (۱۳۷۹)، صحیفه امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. جلد ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۱.
۸. پاتنام. رابرت، (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، محمدتقی دلفروز، تهران: نشر روزنامه سلام.
۹. اکبری. محمدعلی، (۱۳۹۴)، «رویکرد تاریخی بر شکل‌گیری و تحول نظریه سرمایه اجتماعی»، فصلنامه جامعه‌شناسی تاریخی، شماره ۱.
۱۰. ردادی. محسن، (۱۳۸۹)، منابع قدرت نرم (سرمایه اجتماعی در اسلام)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۱. فقیه خلیجانی. سیده فاطمه، (۱۳۹۲)، سرمایه اجتماعی در اندیشه و عمل امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج.
۱۲. علینی. محمد، (۱۳۹۱)، سرمایه اجتماعی در آموزه‌های اسلام، قم: بوستان کتاب.
۱۳. توسلی. غلامعلی، موسوی. مرضیه، (۱۳۸۴). «مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶.
۱۴. صالحی امیری. سید رضا، (۱۳۸۷)، «بررسی وضعیت اعتماد در ایران و راه‌های بازسازی آن»، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، شماره ۱۶.